



## بیداری اسلامی دنیای عرب و تأثیر آن بر امنیت اسرائیل

شهرام اسفندیار<sup>۱</sup>  
میثم بلباسی<sup>۲</sup>

### چکیده

سال‌هاست که پیرامون بیداری اسلامی به عنوان پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی و گراپشی معنوی در جهان اسلام در جهت بازگشت بیداری و هوشیاری امت اسلامی و رسیدن به خودباوری و استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظریه‌های متفاوتی مطرح می‌شود. این پدیده اولین بار همزمان با انقلاب اسلامی ایران، به عنوان موج اول بیداری اسلامی اتفاق افتاد، اما موج اخیر آن در دنیای عرب از تونس آغاز شده و به صورت دومینو به کشورهای دیگری سرایت کرده است. وقوع بیداری اسلامی و به تبع آن انقلاب‌های پی‌درپی در کشورهای عرب، معادلات قدرت در خاورمیانه را به‌ویژه به ضرر اسرائیل متحول ساخته است. از مهم‌ترین این تحولات، تغییر جایگاه و وزن اسرائیل در منطقه بوده است. فرض مقاله آن است که بیداری اسلامی و شکل‌گیری نظام‌های مردم‌سالار

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران



در جهان عرب، بنیان سیاست خارجی مستقل تری را پی می‌افکند که همراه با تقویت رویکردهای ضد اسراییلی، مدافع آرمان فلسطینی‌هاست و در نتیجه، شاخص امنیت که اولویت اول رژیم صهیونیستی است، با چالش‌های بیشتری چون انزوای سیاسی اسراییل، تقویت گفتمان مقاومت اسلامی و تضعیف گفتمان سازش و گسترش و تقویت مردم‌سالاری اسلامی متأثر از الگوی ایران در منطقه و حمایت مردمی و بالطبع دولتی بیشتر از مردم فلسطین و... مواجه می‌گردد. برای پاسخ به سؤال مقاله از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** بیداری اسلامی، امنیت، آرمان فلسطین، اسراییل، خاورمیانه.

### مقدمه

وقوع برخی حوادث در فواصل زمانی مختلف در یک گستره جغرافیایی و استمرار فرآیندهای آن و تأثیر آن در معادلات مربوطه موجب می‌شود تا یک منطقه جغرافیایی به مرکز ثقل موضوعات تبدیل شود. این در حالی است که ممکن است این رویدادها مقدمه وقایع دیگر شود و چارچوب حوادث دیگر را تعیین کند. منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه در طول تاریخ به عنوان مرکز شکل‌گیری رویدادهای مختلف بوده و بر اساس این سابقه اهمیت زیادی در تعیین معادلات منطقه‌ای و جهانی دارد؛ لذا تأمین امنیت خاورمیانه و رژیم‌های حاکم در آن از اهمیت بالایی برخوردار است و در صورت ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی، کل منطقه تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

منطقه خاورمیانه به زعم بسیاری از کارشناسان، مهم‌ترین زیرسیستم جهان به شمار آمده و از آن به عنوان منطقه هارتلند یا بخشی از آن نام می‌برند. به عبارت دیگر، خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است؛ مرکزی که در دل آن منطقه مرکزی یا هارتلند خلیج فارس واقع شده است. از این رو هر گونه آشفتگی که بر اثر عوامل بیرونی در آن منطقه پدید آید، پیامدهایی برای دو قاره اروپا و آفریقا خواهد داشت؛ یعنی تحولاتی که در این منطقه ایجاد می‌شود، مانند سنگی است که در دریاچه آبی می‌افتد و امواج آن را در تمام سطح دریاچه مشاهده می‌کنیم.<sup>۱</sup>

در این میان، نسیم موج سوم بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا زمانی شروع به وزیدن گرفت که در پانزدهم ژانویه ۲۰۱۱ (دی ۱۳۸۹) زین العابدین بن علی، به گونه‌ای باورنکردنی، با شدت گرفتن اعتراضات مردمی پس از خودسوزی

۱. جواد منصوری، آمریکا و خاورمیانه، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۵، ص ۷۵.



محمد بوعزیزی، جوان دست‌فروش تونسی، در اعتراض به ممانعت مأموران حکومتی از ادامه فعالیت وی، از این کشور گریخت و به عربستان سعودی پناهنده شد. پس از مدت کوتاهی، این قیام‌ها به صورت دومینو به مصر، لیبی و کشورهای عربی دیگر سرایت کرد. شکل‌گیری این انقلاب‌ها و جنبش‌ها مؤید این نکته است که قرن ۲۱ نه تنها قرن انقلاب‌ها، بلکه قرن انقلاب‌های اسلامی است و تأییدی است بر موضوع خاورمیانه اسلامی؛ خاورمیانه اسلامی که نطفه آن با انقلاب اسلامی ایران منعقد شده بود و انقلاب اسلامی با اتخاذ راهبرد صدور انقلاب، آن هم در بعد تربیتی، زمینه‌های تحقق آن را فراهم کرده بود.

همزمان با شکل‌گیری بیداری اسلامی، این منطقه ژئواستراتژیک در معرض تحولات عظیمی قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که یقیناً متضمن نظمی نوین در آینده منطقه خواهد بود. گستره تغییراتی که در نظام سیاسی برخی کشورهای عربی اتفاق افتاده یا در آستانه وقوع است، به داخل مرزهای این کشورها محدود نشده و جایگاه و نفوذ سایر کشورهای منطقه نیز از این تغییرات متأثر خواهد بود. در حقیقت، وقوع بیداری اسلامی و به تبع آن انقلاب‌های پی‌درپی در کشورهای منطقه، معادلات قدرت در خاورمیانه را دستخوش تغییرات گسترده‌ای نموده است. این مقاله در صدد است تا ضمن بررسی ابعاد مهم بیداری اسلامی، به این سؤال پاسخ دهد که شکل‌گیری موج اخیر بیداری اسلامی چه تأثیری بر امنیت بین‌المللی اسرائیل خواهد داشت؟

### رژیم صهیونیستی و جریان بیداری اسلامی

در باره ارتباط بیداری اسلامی و امنیت اسرائیل باید گفت که احساس حقارت مردم منطقه خاورمیانه توسط رژیم صهیونیستی به تقویت اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در منطقه منجر شد. اولین جرقه این جریان در جنگ بین اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۷ زده شد. در این جنگ حکومت کوچک اسرائیل، مصر و سوریه و اردن را شکست داد و همچنین قدس شرقی و کرانه باختری را اشغال کرد. این شکست تحقیرآمیز زمینه‌ای برای بین‌المللی شدن و تولد اسلام سیاسی بود.<sup>۱</sup>

این جنگ باعث محدود کردن اسلام به مسجد شد و مطابق نظر الانصاری جراحتهایی

1. Tibi, Bassam (1998) The Challenge of Fundamentalism Political Islamic and the New World Disorder, Berkeley, CA: University of California Press.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین فرمودند: رئیس‌جمهور امریکا می‌گوید که امنیت اسرائیل خط قرمز اوست. بدانید این خط قرمز او باما و امثال او به دست ملت‌های به‌پاخاسته مسلمان شکسته خواهد شد

را ایجاد کرد که در ضمیر ناخودآگاه، عمیق و باز باقی می‌ماند.<sup>۱</sup> در سطح بین‌المللی نیز وتوی امریکا در شورای امنیت همواره از تصویب هر قطعنامه‌ای جهت محکوم کردن فعالیت‌های اسرائیل در مقابل فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها جلوگیری کرده است؛ از جمله قطعنامه‌هایی که برای عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغال‌شده در فلسطین، سوریه، لبنان و یا محکوم کردن هجوم به لبنان و کشتارها

در صبر و شکیلاست. از سال ۱۹۷۲ امریکا ۴۲ قطعنامه سازمان ملل را در مورد بحران فعالیت‌های اسرائیل با وجود حمایت‌های همه‌جانبه بین‌المللی و تو کرده است.<sup>۲</sup> این حمایت امریکا از رژیم‌های قدرت‌طلب در منطقه، به‌رغم ترویج ارزش‌های دموکراتیک غربی، منبع خشم و عصبانیت و بنیانی برای اسرائیل ستیزی در منطقه شده است؛ به گونه‌ای که والت و مرشایمر به یک دوگانگی بین «اسرائیل پیروز» و «عرب شرور» اشاره می‌کنند که از پایه اخلاقی برای حمایت امریکا از اسرائیل حمایت می‌کند.<sup>۳</sup> از دید این دو نظریه پرداز، این مسئولیت استراتژیک امریکا از اسرائیل در منطقه نه تنها به نفع امریکا نبوده بلکه بی‌ثباتی را در منطقه به دلیل اسرائیل ستیزی افزایش داده است،<sup>۴</sup> که نمونه معاصر آن را می‌توان در جنبش اخیر بیداری اسلامی و مواضع دولت مصر، تونس، اردن، سوریه و سایر کشورهای عربی مشاهده نمود:

### مصر

برای رژیم صهیونیستی در موضوع جنگ و صلح، مصر مهم‌ترین کشور عربی بوده است؛ زیرا تا زمانی که مصر در صف مخالفان این رژیم قرار داشت چهار جنگ در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ رخ داد و در مقابل، پس از آنکه پیمان کمپ‌دیوید ۱۹۷۹

1. Fattah, Khaled and Fierke, K.M. (2009) "Clash of Emotions: The Politics of Humiliation and Political Violence in the Middle East", *European Journal in International Relation*, in: <http://ejt.sagepub.com/cgi/content/abstract/15/1/67>, p 77.

۲. علی‌اکبر جعفری و دیان جانبا، «رویکردهای متعارض سایت خارجی امریکا در خاورمیانه و پیامدهای آن؛ هامیلتونیسیم یا میلیوریسم»، رهبرد (در دست چاپ).

3. Mearsheimer, John J. and Walt, Stephen (2007), *The Israel Lobby and U.S. Foreign Policy*, New York: Farrar, Straus and Giroux, pp 78-110

۴. جعفری و جانبا، همان.



امضاء شد، قرارداد «وادی عربیه» میان اردن و اسرائیل ۱۹۹۴ و «غزه - اریحا» ۱۹۹۴ با فلسطینی‌ها به امضاء رسید و از آن زمان موضوع عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسلامی با رژیم اسرائیل جدی شد. به طور کلی روابط مصر و اسرائیل را می‌توان از سال ۱۹۴۷ تا ۲۰۱۱ به سه دوره زمانی تقسیم نمود:

۱. از زمان تأسیس رژیم اشغالگر تا کمپ دیوید

۲. از کمپ دیوید تا بیداری اسلامی

۳. از بیداری اسلامی به بعد

بر این اساس در دوره اول زمانی، عامل امنیت، مهم‌ترین عامل در ایجاد تخاصم و روابط طرفین بود. بعد از معاهده صلح کمپ دیوید توسط طرفین که ناشی از نگاه رهبران دو طرف بود، روابط رسمی دو کشور شروع شد. عامل ساختار قدرت بین‌المللی در کنار فشارهای امریکا نیز در امضای معاهده از طرف مصر تأثیر گذار بود. روابط بین مصر و اسرائیل بعد از دهه ۹۰ به سمت عادی شدن مناسبات پیش رفت. در این برهه درک دو طرف از ساختار قدرت و هم‌چنین درک جایگاه خود در نظام بین‌المللی باعث شد تا به سمت یک نوع موازنه تهدید حرکت کنند. این مسئله تا آغاز تحولات مصر و بیداری اسلامی و سقوط مبارک ادامه داشت؛ از این مرحله به بعد ضمن بیداری افکار عمومی و جامعه مدنی در مصر و تحول در سیاست داخلی، برداشت ذهنی رهبران مصر در کنار یک اتحاد امنیتی استراتژیک با اسرائیل و امریکا موجب همکاری‌های بیشتر طرفین شد.<sup>۱</sup>

اما آنچه اهمیت دارد تأثیر وقوع بیداری اسلامی و سقوط مبارک بر این روابط است. طی سه دهه اخیر، حسنی مبارک با اجرای سیاست‌های امریکایی در مصر در حقیقت تأمین‌کننده منافع صهیونیست‌ها بود. این امر در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و هم‌چنین محاصره غزه کاملاً آشکار می‌باشد. اما سقوط مبارک در ۲۲ بهمن ۱۳۸۹، شرایطی کاملاً جدید برای اسرائیلی‌ها ایجاد نمود. در این راستا، اسرائیلی‌ها برای جلوگیری از سقوط مبارک، تلاش‌های زیادی کرده بودند و اقدامات دیپلماتیک متعددی در سطح اروپایی و به‌ویژه امریکایی انجام دادند. نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در یک کنفرانس مشترک با خانم مرکل، عنوان کرده بود که از تبدیل مصر به یک ایران اسلامی دیگر به شدت نگران است. پیش‌تر، روزنامه اسرائیلی *هاآرتص*، ضمن انتقاد از

۱. حمید احمدی و آرش بیدالله خانی، «روابط مصر و اسرائیل، پیشینه، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده»، فصلنامه روابط خارجی، ۱۳۹۱، ش ۴، ص ۶۲.



امریکا که در روزهای آخر از مبارک حمایت نکرد، تأکید کرده بود که اسرائیل در روزهای آخر حکومت مبارک برای حفظ ثبات در مصر انتقادات خود را از مبارک محدود کرده است.<sup>۱</sup>

دوازده انفجار در خط لوله گاز مصر - اسرائیل، حمله به سفارت اسرائیل در قاهره و فرار سفیر این رژیم، اصرار اخوان المسلمین بر عدم شناسایی رژیم صهیونیستی، وقوع حادثه تیراندازی در ایلات که به کشته شدن هشت نظامی اسرائیلی منجر شد، همه نشان دهنده تفاوت شرایط جدید در روابط دو طرف می باشد.<sup>۲</sup>

پس از پیروزی و انتخاب محمد مرسی در انتخابات ریاست جمهوری مصر در یک فضای بیم و امید و اعلام او از اینکه به قراردادهای پیشین از جمله کمپ دیوید پایبند خواهد بود، اگرچه از میزان نگرانی رژیم صهیونیستی کاسته شد ولی تئوری پردازان اسرائیل بر این باورند که تضمین امنیت و برتری این رژیم در گرو داشتن روابط نزدیک با مصر می باشد؛ اگرچه مصر پس از مبارک، دیگر ذخیره استراتژیک اسرائیل در منطقه نخواهد بود. بر این اساس باور غالب این است که مصر پس از عبور از دوران گذار انقلابی و عادی شدن مناسبات داخلی و خارجی، به روابط خود با رژیم صهیونیستی با تفاوت های جزئی نسبت به گذشته ادامه خواهد داد. در واقع در سطح دولت - دولت، کشور مصر و اسرائیل به روابط خود ادامه خواهند داد اما در سطح مردم - مردم، هم جامعه مصر و هم رژیم صهیونیستی به این رابطه پرتنش بدبین خواهند بود.

## تونس

پس از آنکه سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) در سال ۱۹۸۲ از لبنان اخراج شد، یاسر عرفات، دفتر جدیدی را در تونس راه اندازی کرد. اگرچه حبیب بورقیبه، رئیس جمهور وقت تونس، در برابر رژیم صهیونیستی موضعی میانه داشت و اعتماد چندانی هم به ساف نداشت اما از اولین کشورهای عربی بود که به ساف اجازه داد تا در خاک این کشور اقامت گزینند. دولت بورقیبه به ساف اجازه داد تا در برج سدریه در نزدیکی شهر تونس، دفاتر خود را راه اندازی کند. تونس در این برهه، مقر اتحادیه عرب بود و تغییر مکان اتحادیه عرب از قاهره به تونس به منظور مخالفت با مصر برای امضای قرارداد صلح کمپ دیوید و تنبیه این کشور انجام شده بود. ساف از این مکان،

۱. همان، ص ۵۵.

۲. سلمان رضوی، مؤسسه تحقیقات و پژوهش های سیاسی علمی ندا، ۱۳۹۱/۱/۲۱.



حملات خود را علیه رژیم صهیونیستی پی گرفت. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵ سه شهروند رژیم صهیونیستی در قبرس کشته شدند. «نیروی ۱۷» ساف<sup>۱</sup> مسئولیت این عملیات را بر عهده گرفت. دولت صهیونیستی تصمیم گرفت تا حملات تلافی جویانه‌ای را علیه دفاتر ساف در تونس به مرحله اجرا در آورد. هشت فروند هواپیمای اف ۱۵ تقریباً تمامی تشکیلات ساف از جمله دفتر اصلی ساف و دفاتر اصلی «گروه ۱۷» را بمباران کردند. نزدیک به ۶۰ عضو ساف کشته و بیش از ۷۰ تن مجروح شدند. نزدیک به یک دهه بعد و از اواسط دهه ۱۹۹۰، روابط تونس و رژیم صهیونیستی رو به بهبودی نهاد. دلیل اصلی این تحول، امضای قرارداد اسلو بود. یاسر عرفات در اوایل جولای ۱۹۹۴ و پس از امضای قرارداد اسلو به غزه رفت و تشکیلات خودگردان جدیدی را در داخل اراضی فلسطینی ساماندهی کرد. در همین سال بود که ارتباطات تونس و رژیم صهیونیستی از طریق سفارت بلژیک در تل آویو و تونس برقرار شد. حبیب بن یحیی، وزیر وقت امور خارجه تونس و ایهود باراک، وزیر وقت امور خارجه رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۵ در بارسلون با یکدیگر دیدار کردند تا درباره زمینه‌های توسعه روابط رسمی به مذاکره بپردازند. وارن کریستوفر، وزیر وقت امور خارجه ایالات متحده در ۲۲ ژانویه ۱۹۹۶ اعلام کرد که رژیم صهیونیستی و تونس برای اولین بار، دفاتر تجاری خود را در خاک یکدیگر راه‌اندازی کردند. این روابط تا ۵ آوریل همان سال ادامه داشت. بر طبق یک برنامه خاص، رژیم صهیونیستی دفتر حفاظت منافع خود را در تونس افتتاح کرد و شش هفته بعد، خامس جنیوی دیپلمات تونسی به تل آویو رفت تا دفتر حفاظت منابع تونس را رسماً افتتاح کند.<sup>۲</sup>

روابط تونس با رژیم صهیونیستی در اوان هزاره سوم رو به وخامت و سردی گرایید. رادیو دولتی تونس در ۲۲ اکتبر ۲۰۰۰، همزمان با شروع انتفاضه دوم اعلام کرد که بن علی، رئیس‌جمهور تصمیم گرفته است تمامی روابط دیپلمات خود با رژیم صهیونیستی را به دلیل خشونت این رژیم علیه فلسطینی‌ها در اراضی تحت کنترل قطع کند. زین‌العابدین بن علی در همین دوران، بیانیه‌ای منتشر کرد و به شدت تجاوز به حریم مسجدالاقصی، تجاوزات مکرر رژیم صهیونیستی، استفاده از سلاح علیه کودکان بی‌گناه و مردم بی‌دفاع و آزار نژادپرستانه شهروندان عرب فلسطینی را

۱. نیروی ۱۷، واحد تکاور و عملیات ویژه جنبش فتح بود که علی حسن سلامه (ابوحسن) آن را در اوایل ۱۹۷۰ تشکیل داد. مأموریت نیروی ۱۷، ترور مقامات سیاسی رژیم صهیونیستی بود.  
 ۲. حسن کلاته، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی علمی ندا، ۱۳۹۱/۴/۶.

رهبر معظم انقلاب: آنچه رژیم صهیونیستی را تهدید می‌کند، موشک‌های ایران یا گروه‌های مقاومت نیست، تا در برابر آن سپر موشکی در اینجا و آنجا به پا کنند؛ تهدید حقیقی و بدون علاج، عزم راسخ مردان و زنان و جوانانی در کشورهای اسلامی است که دیگر نمی‌خواهند امریکا و اروپا و عوامل دست‌نشانده‌شان بر آنان حکومت و تحکم و آنان را تحقیر کنند

تقبیح و محکوم کرد. تحولات تونس و سقوط بن علی و روی کار آمدن راشد الغنوشی نگرانی رژیم اسراییل نسبت به تحولات کشور تونس را دامن زد. وقتی راشد الغنوشی اعلام کرد که به دنبال تشکیل حزب اسلامی تونس و برپایی نظام اسلامی تونس است، این تصمیم که با واکنش و ترس شدید مقالات صهیونیستی مواجه شد. سیلوان شالوم، معاون نخست‌وزیر که خود زاده تونس است از رشد اسلام‌گرایی تونس ابراز نگرانی کرد و اظهار امیدواری کرد که اعتدال و میانه‌روی بر این کشور حاکم شود.

وی که روابط رژیم صهیونیستی و تونس را مهم می‌دانست و از رصد تحولات این کشور و تلاش بر حفظ روابط سخن می‌گفت، امیدوار بود که مجامع بین‌المللی مانع از به قدرت رسیدن گروه‌های اسلام‌گرا در تونس شوند. رادیو ارتش اسراییل در همان حال اعلام کرد که اسراییل با توجه به هراسی که از انتقال قدرت به اسلام‌گرایان در تونس دارد با نگرانی تحولات این کشور را پیگیری می‌کند. البته ترس رژیم صهیونیستی دور از انتظار نبود. اسلام‌گرایان در اولین انتخابات پس از بن علی با کسب ۴۲ درصد آرا بر حزب سوسیالیست (با ۱۸ درصد آرا)، حزب لیبرال (با ۱۵ درصد آرا) و مستقل‌ها (با ۲۵ درصد آرا) پیروز شدند و زمام قدرت را در دست گرفتند. راشد الغنوشی رهبر حزب النهضه بلافاصله پس از انتخابات به صراحت اعلام کرد که ما یک حکومت دینی بر پایه اجرای احکام و قوانین اسلامی تشکیل خواهیم داد.<sup>۱</sup> غنوشی در مصاحبه با خبرگزاری رویترز گفت:

یک مسلمان نمی‌تواند بقای رژیم اسراییل را تحمل کند و آزادی فلسطین، موضوعی نیست که قابل مذاکره باشد.<sup>۲</sup>

به دنبال انقلاب تونس و حاکمیت اسلام بر نظام سیاسی و اجتماعی آن بسیاری از جریان‌های سیاسی و مردمی، مخالفت قاطع خود را با هر گونه ارتباط با رژیم صهیونیستی اعلام کردند. بنابراین بندی در قانون اساسی این کشور گنجانده شد مبنی

۱. حسن کلاته، همان.

۲. سعداله زارعی، پایگاه خبری کیهان‌نیوز، ۱۳۹۰/۱۰/۲۷.



بر آنکه هر گونه تلاش برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی جرم است. البته این بخش با اعتراض بخش هایی از جامعه و برخی مقامات تونس مواجه شد. از جمله رفیق عبدالسلام، وزیر امور خارجه با لحنی اعتراض آمیز گفت:

معلوم نیست داستان اختصاص بندی در قانون اساسی جدید برای جرم دانستن عادی سازی روابط با اسرائیل از کجا آمده است؛ زیرا قانون اساسی بیانگر اصولی عمومی درباره سیاست های دولت است.

وی که با این موضع، مخالف است می گوید:

دولت فعلی روابطی با اسرائیل ندارد و دلیل اصلی این امر نیز بی توجهی اسرائیل به قوانین بین المللی و حقوق ملت فلسطین است.<sup>۱</sup> راشد الغنوشی، رهبر حزب اسلام گرای النهضه در مراسم روز زمین سال ۱۳۹۰ که در منطقه ای در شمال غربی تونس حضور یافته بود از غیر ممکن بودن عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی سخن گفت. وی در این مراسم به گونه ای از جانب حاکمان اسلام گرای تونس اعلام کرد که هرگز رژیم صهیونیستی را به رسمیت نخواهد شناخت و عادی سازی روابط با این رژیم، امری غیر ممکن است. به اعتقاد رهبر حزب النهضه، مردم تونس با یهودیان مشکلی ندارند بلکه مشکل اصلی آن ها صهیونیسم است. الغنوشی با بیان این نکته که تنها راه آزادی سرزمین های اشغالی فلسطین، پیروزی نظام های دموکراتیک در جهان عرب است از موضع رژیم سابق در برابر مسئله فلسطین به شدت انتقاد کرده و گفت:

زین العابدین بن علی به قضیه فلسطین خیانت کرد زیرا وی مزدور صهیونیست ها بود.

غنوشی معتقد است صهیونیسم در منطقه هم بیگانه است و هم نامشروع از نظر رهبر النهضه، ما باید چراغ مبارزه طولانی مدت، مقاومت و ایثار را در هر نقطه ای از زمین روشن کنیم. ما نمی توانیم فلسطین را باز پس بگیریم مگر اینکه جنگی علیه ظلم و ستم در تمامی اشکال آن و در سرتاسر جهان وجود داشته باشد.<sup>۲</sup>

در این راستا، غنوشی معتقد است که انقلاب های عربی برای فلسطین ثمر بخش بوده و تهدیدی برای پایان دادن به عمر رژیم صهیونیستی هستند. او می گوید مسئله فلسطین در قلب امت جهان اسلام قرار دارد و تمامی سرزمین ما بین مکه و بیت المقدس، متعلق به

۱. حسن کلاته، همان.

۲. حسن کلاته، همان.



قلب ملت اسلام است و هر گونه کنترل (خارجی) بر بخشی از این قلب، مہری بر بیماری امت می باشد. شیخ احمد یاسین می گفت که اسرائیل پیش از سال ۲۰۲۷ از بین خواهد رفت. این تاریخ دیر است و اسرائیل ممکن است زودتر از این زمان نیز به پایان راه برسد.<sup>۱</sup>

## اردن

کشور اردن به دلیل صلح با رژیم اسرائیل، هم‌مرز بودن و حضور جمعیت بزرگی از فلسطینی‌ها در آن و هم‌چنین ثبات در مرزها، طی چند دهه گذشته از اهمیت ویژه‌ای برای این رژیم برخوردار است. ناآرامی‌ها و اعتراضات در اردن، در قالب بیداری اسلامی ابعاد مختلفی دارد که یکی از آن‌ها نارضایتی مخالفان از صلح دولت این کشور با اسرائیل است. بعد از اوج‌گیری اعتراضات ضداسرائیلی و حمله به سفارت اسرائیل در مصر، گرایش‌ها و اعتراضات ضد اسرائیلی در اردن افزایش یافت و این شرایط بر نگرانی رژیم اسرائیل افزود؛ به گونه‌ای که این رژیم، سفیر و کارمندان سفارتخانه خود در اردن را خارج کرد.<sup>۲</sup> در واکاوای سردی روابط اردن و اسرائیل در چارچوب تحولات اخیر، عوامل متعددی را می‌توان یافت که مهم‌ترین آن مربوط می‌شود به جنگ ۲۲ روزه غزه و حملات بعدی اسرائیل به نوار غزه از جمله جنگ ۸ روزه؛ هم‌چنین یورش‌های پی‌درپی رژیم صهیونیستی به مسجدالاقصی و سایر اماکن مقدس، بی‌نتیجه ماندن مذاکرات سازش میان رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان، عدم پذیرش برپایی دو دولت مستقل اسرائیلی و فلسطینی از سوی صهیونیست‌ها، ادامه شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری رود اردن، افزایش روند یهودی‌سازی قدس و عدم احترام رژیم صهیونیستی به حق اردن در تولیت اماکن اسلامی و مسیحی فلسطین بر اساس پیمان سازش میان دو طرف (موسوم به وادی عربی که در سال ۱۹۹۴ میلادی به امضاء رسید) از دیگر عوامل سردی روابط میان دو طرف است. شهروندان اردنی به خوبی می‌دانند که رژیم اشغالگر قدس، می‌کوشد تا اردن را سپر بلا و خط مقدم دفاع در برابر سایر ملت‌های عرب و مسلمان قرار دهد و از همین رو اجازه نمی‌دهند که حکومت این کشور بیش از این روابط نزدیک خود را با این رژیم ادامه دهد؛ چراکه رژیم صهیونیستی، اردن را یک مانع

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی فارس نیوز، ۹۰/۹/۱۸.

www.farsnews.com

۲. سلمان رضوی، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی علمی ندا، ۱۳۹۱/۱/۲۱.

www.nedains.com

امنیتی در برابر هجمه مسلمانان و اعراب قرار داده است.<sup>۱</sup> این در حالی است که مواضع گروه‌هایی مانند اخوان المسلمین اردن که جایگاه آن‌ها در این کشور در حال بهبود است نیز نشان‌دهنده بروز چالش‌های مهمی برای اسرائیل در اردن می‌باشد. هم‌ام سعید ناظر عام جمعیت اخوان المسلمین اردن در سوم سپتامبر ۲۰۱۱ طی سخنانی تصریح کرد هم‌اکنون دلایل زیادی برای لغو پیمان صلح اردن - اسرائیل وجود دارد.<sup>۲</sup>

## سوریه

در حال حاضر نقاط اصطکاک روابط سوریه با اسرائیل موضوعاتی چون گروه‌های مبارز فلسطینی در دمشق، بلندی‌های جولان و ارتباط سوریه با ایران می‌باشد. این نقاط اصطکاک سبب می‌شود تا میزان تأثیرپذیری اسرائیل از تحولات سوریه قابل ملاحظه باشد. در مجموع دو دیدگاه در اسرائیل و بین مقامات این رژیم درباره تحولات سوریه وجود دارد که از شکاف بین دیدگاه‌های اسرائیلی در این حوزه حکایت می‌کند. برخی در اسرائیل بر این باورند که تغییر در سوریه با تضعیف دشمنان مهم این رژیم مانند حماس و حزب‌الله همراه خواهد بود که این مسئله در جهت منافع امنیتی این رژیم است. اما در مقابل، گروهی دیگر معتقدند تغییر رژیم بشار اسد و بی‌ثباتی در این کشور با تقویت بی‌نظمی و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان افراطی همراه خواهد بود و باعث شکل‌گیری تهدیدهای جدی‌تری برای اسرائیل می‌شود. با این حال یک نتیجه‌گیری و باور کلی نیز در اسرائیل وجود دارد که به دلیل مشغول بودن سوریه به امور و چالش‌های داخلی خود برای ماه‌ها و حتی سال‌های آینده، ثبات اسرائیل کماکان تداوم خواهد داشت. به علاوه اینکه، درباره تحولات سوریه و تأثیرگذاری آن بر منافع امنیتی اسرائیل در مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل،<sup>۳</sup> چهار سناریو پیش‌بینی شده است:

سناریوی نخست، باقی ماندن بشار اسد در قدرت است و در صورتی که اسد در قدرت باقی بماند بیشترین تلاش خود را به تقویت رژیم در داخل و پررنگ کردن مشروعیتش در سطح جهانی معطوف خواهد کرد؛ بنابراین از رویارویی با اسرائیل پرهیز خواهد کرد. سناریوی دوم، سقوط حکومت اسد و بی‌ثباتی داخلی در بلندمدت است و این بی‌ثباتی با تضعیف سوریه، می‌تواند باعث تقویت نفوذ ایران و اقدام علیه اسرائیل از سوی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی فارس نیوز، ۱۳۹۱/۷/۵.

www.farsnews.com

۲. سلمان رضوی، همان.

3. The Israel National Security Studies (INSS)



یکی از مهم‌ترین نشانه‌های انزوای سیاسی اسرائیل، شکل‌گیری نظم جدید اسلامی و احاطه اسرائیل در این نظم جدید، پس از جریان بیداری اسلامی است

گروه‌های مختلف شود که به‌رغم کاهش تهدیدهای نظامی علیه اسرائیل به افزایش بی‌ثباتی مرزی آن منجر می‌شود. سناریوی سوم، ظهور رژیم سنی با رویکرد نظامی ضداسرائیلی قوی‌تر است که باعث کاهش نفوذ ایران می‌شود اما می‌تواند به رویکرد تهاجمی‌تر سوریه علیه اسرائیل و حتی تلاش برای بازگرداندن بلندی‌های جولان منجر شود. سناریوی چهارم، ثبات در سوریه تحت رژیمی دموکراتیک با جهت‌گیری غربی است که ممکن است لزوماً باعث ایجاد پیمان صلح بین دو طرف نشود، اما فشار بر اسرائیل برای انعقاد قرارداد صلح و بازگرداندن جولان را افزایش دهد. در مجموع نتیجه‌گیری این مؤسسه اسرائیلی این است که سناریوها و وضعیت احتمالی در سوریه باعث بدتر شدن اوضاع اسرائیل نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### دیگر کشورهای عربی

در مورد سایر کشورهای عربی می‌توان گفت که چون ساختار سیاسی آن‌ها، سازوکاری دموکراتیک نداشته و عمدتاً حاکمانی دیکتاتور یا سلطنت‌های موروثی بر سر کار می‌باشند، رابطه‌ای نزدیک با امریکا دارند. رابطه نزدیک هر کشوری با امریکا عمدتاً به معنای نبود خصومت میان آن دولت و رژیم صهیونیستی است. به بیان دیگر، نظام‌های دیکتاتور عربی عمدتاً رابطه‌ای نزدیک با اسرائیل دارند و از آنجایی که با سقوط این نظام‌ها، نظام‌هایی مردمی قدرت را به دست می‌گیرند، مخالفت با اسرائیل به مطالبه‌ای عمومی در میان ملل مسلمان تبدیل می‌شود. در نتیجه، نظام‌های جدید مردمی در کشورهای عربی، عمدتاً در جهت خلاف امیال و منافع رژیم اسرائیل حرکت می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که به‌طور کلی جریان بیداری اسلامی در راستای حمایت از فلسطینی‌ها و روند رو به افزایش مخالفت با اسرائیل حرکت می‌کند که این امر برای اسرائیلی‌ها ناخوشایند بوده و طبیعتاً آنان برای کاهش آثار منفی این امر بر روابط خارجی خود، اقداماتی را انجام می‌دهند.

### مهندسی اسرائیلی - امریکایی بیداری اسلامی در قالب مدیریت بهار عربی

تحولات سیاسی اخیر در کشورهای عربی در قالب بیداری اسلامی، پس از رقم زدن

۱. سلمان رضوی، همان.

وضعیتی نامطلوب برای منافع امریکا و صهیونیست‌ها، با برنامه «مهندسی و مدیریت بهار عربی» روبه‌رو شده است. در این راستا، جهان عرب از منظر استراتژی امنیتی صهیونیسم، به چهار گروه قابل تقسیم می‌باشد:

۱. گروه موسوم به «هلال خصیب» که سوریه یا عراق به تناوب رهبری آن را عهده‌دار می‌شوند.

۲. گروه «حوزه نیل» که مصر، مهم‌ترین کشور آن است.

۳. گروه «شبه‌جزیره عربی» که عربستان، مهم‌ترین کشور آن است.

۴. گروه «مغرب عربی» که مغرب و الجزایر، مهم‌ترین در این کشورها هستند.

از این رو، اسراییل با توجه به اولویت‌های امنیتی‌اش با هر یک از گروه‌های فوق، برنامه‌ای را در دست اجرا دارد. مهم‌ترین محورهای عملکرد اسراییل عبارت‌اند از:

## همکاری با گروه اول

در این زمینه، ملاحظات سه‌گانه زیر قابل توجه است:

۱. استراتژی اسراییل در گذشته مبتنی بر اشغال اردن و تجزیه آن بود تا از این طریق بتواند ضمن بسط حوزه خود، محلی را برای کوچاندن اعراب فلسطینی بیابد و از این طریق، فلسطین را از اعراب خالی سازد؛ اما فعلاً از اشغال اردن به خاطر مشکلاتی که دارد چشم پوشیده و سیاست همکاری را به‌ویژه در حوزه اقتصادی پیشه خود ساخته تا از این طریق از تبدیل اردن به یک کشور مخالف جدی اسراییل ممانعت به عمل آورد.

۲. استراتژی امنیتی گذشته اسراییل مایل به تجزیه لبنان به پنج قسمت بود. قسمت‌های پنجگانه دروزی، مارونی، شیعی، سنی واقع در طرابلس و دولت سنی‌ای در بیروت. این تقسیم‌بندی، به از بین رفتن واحد سیاسی مستقلاً به نام لبنان که می‌توانست در مقابل اسراییل ایستادگی کند، منجر می‌شد و بدین ترتیب، خیال صهیونیست‌ها را از سوی یکی از بزرگترین کانون‌های ضدامنیتی‌شان آسوده می‌ساخت. اما متعاقباً این برنامه مورد تردید جدی قرار می‌گیرد و تقسیم‌بندی فوق، بی‌ارزش و غیر ممکن می‌شود. اسراییل به دنبال رهایی خود از گرداب مهلکی به نام لبنان است تا در آینده بتواند با آن به معارزه برخیزد.

۳. مطابق استراتژی امنیتی اسراییل، تقسیم شدن هر یک از دو کشور سوریه و عراق نیز می‌توانست تأمین‌کننده منافع اسراییل باشد. در عراق می‌توان به مقوله قومیت‌ها دامن زد و در سوریه به گرایش‌های دینی؛ اما فعلاً و در فضای نظم جهانی جدید، اسراییل



در یافته که اجرای چنین طرحی، نه ممکن است و نه مفید است. امروزه اسرائیل بیشتر به دنبال بهره‌وری از گرایش‌ها و منازعاتی است که کم و بیش در این کشورها وجود دارد. مانند منازعات قومی در لبنان و مصر یا گرایش‌های جدایی طلبانه در عراق و سودان.<sup>۱</sup>

### بر خورد دو گانه با گروه دوم

اسرائیل ضمن تأکید بر جایگاه عالی و مقتدرانه مصر در جهان عرب، به منازعات داخلی بین مسلمانان و قبطی‌ها دامن زده تا از این طریق دولت مرکزی تضعیف گردد. شکل‌گیری چندین دولت محلی ضعیف در مصر و فقدان یک دولت مرکزی قوی، آرمان جنبش صهیونیستی به شمار می‌رود که در نهایت ضریب امنیتی اسرائیل را افزایش می‌دهد. در خصوص سایر کشورهای این گروه، تجزیه آن‌ها یا حداقل ضعیف شدن آن‌ها در معادلات منطقه‌ای می‌تواند به نفع اسرائیل تمام شود؛ چراکه از این طریق اسرائیل می‌تواند به منابع طبیعی نیل دست یافته، اهرم فشاری بر مصر بیابد.

### همکاری با واسطه با گروه سوم

در ارتباط با شبه جزیره و به‌ویژه عربستان، اسرائیل بیشتر به ایالات متحده آمریکا چشم دوخته؛ چراکه روابط این گروه با آمریکا تنگاتنگ است. بنابراین، نزدیکی با اسرائیل، به‌ویژه در حوزه روابط اقتصادی و عقد قراردادهای مختلفی که امنیت اسرائیل را تضمین کند، با توجه به نفوذ آمریکا در این گروه و حمایتش از اسرائیل، بهترین طرح به شمار می‌آید.

### تحلیل انزواگزینی در خصوص گروه چهارم

اسرائیل برای نیل به اهداف امنیتی خود، به جدا کردن کشورهای مغرب عربی از دیگر کشورهای جهان عرب تمایل دارد. کشورهای این حوزه با گراییدن به اتحادیه اروپا و بسط اقتصادیشان با این اتحادیه، منش و سیاست مستقلی را می‌یابند که علی‌القاعده آن‌ها را از همسویی با جهان عرب در کلیه موضوعات و از آن جمله، مسئله اسرائیل باز می‌دارد. نتیجه آن که، اسرائیل در پی نفی وجودی مستقل، به نام «فلسطین» بر روی نقشه جغرافیایی است و برای این منظور، روش‌های مختلفی از مذاکره، مبارزه، کشتار

۱. عبدالوهاب المسیری، آریه ناآور و الی پوده، «بحث امنیتی اسرائیل؛ مبانی نظری و ملاحظات عملی»، اصغر افتخاری، نشریه علوم سیاسی، ۱۳۷۹، ش ۵، ص ۱۴۲-۱۴۱.

و... را پیشه می‌نماید. در این راستا، سعی اسرائیل بر آن است تا مسئله فلسطین از شکل فراگیرش که به تمام کشورهای عربی - اسلامی مربوط است خارج شود و تا حد یک مسئله داخلی یا پدیده‌ای قطعی که چاره‌ای جز پذیرش آن وجود ندارد، تنزل یابد. سیاستی که منجر به اتخاذ موضع‌گیری‌های متفاوتی از سوی کشورهای عربی شده و شاهد نزدیکی پاره‌ای از آن‌ها به اسرائیل و تحکیم روابطشان - در عین تجاوزگری اسرائیل به فلسطین و دشمنی‌اش با جهان اسلام - می‌باشیم.<sup>۱</sup>

### تأثیر بیداری اسلامی بر امنیت اسرائیل

هر چه از روند بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌گذرد، نگرانی‌های رژیم صهیونیستی نسبت به موجودیت خود در منطقه و آسیب‌های وارده به حصارهای امنیتی و استراتژیک خود بیشتر می‌شود. این نگرانی و هراس از آینده، در رفتار و گفتار صهیونیست‌ها مشهود است. اما از زاویه‌ای دیگر می‌توان تأثیر انقلاب‌های عربی و بیداری اسلامی بر امنیت اسرائیل را در چارچوب گزاره‌ها و سرفصل‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

### چالش‌های استراتژیک اسرائیل

ترس از افکار عمومی ضدصهیونیستی در کشورهایی که انقلاب رخ داد: نخبگان اسرائیلی در خصوص عامل اول به نمونه مصر اشاره می‌کنند که دموکراسی ناتمام در این کشور و به قدرت رسیدن اخوانی‌ها در آن به جای برقراری آرامش و ثبات در این کشور موجب بروز هرج و مرج و ناآرامی در آن شده است. همچنین آن‌ها تأکید می‌کنند انقلاب‌های عربی موجب شدند تا مردم وارد عرصه سیاسی و تصمیم‌گیری‌ها شوند و این می‌تواند برای اسرائیل بسیار گران تمام شود، چون بی‌تردید افکار عمومی عربی نظام‌های جدید را به خاطر رابطه با اسرائیل سرزنش خواهند کرد. این در حالی است که این نخبگان بر احتمال دستیابی نظام‌های جدید عربی بر سلاح‌ها و تجهیزات تسلیحاتی جدید اشاره می‌کنند که تا پیش از آن امکان دستیابی بر آن‌ها وجود نداشت و این موضوعی بسیار نگران‌کننده برای تل‌آویواست.

تحولات ژئوسیاسی در خاورمیانه؛ ترس از سقوط احتمالی خاندان سعودی: اما دومین

۱. عبدالوهاب المسیری، آریه نائور و الوی پوده، «بحث امنیتی اسرائیل؛ مبانی نظری و ملاحظات علمی»، ترجمه اصغر افتخاری، نشریه علوم سیاسی، ۱۳۷۹، ش ۵، ص ۱۴۲-۱۴۱.





عواملی نظیر سقوط حکومت‌های همسوسو با دولت اسرائیل در برخی کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، کاهش سطح همکاری‌های کشورهای عربی منطقه و تقویت گفتمان اسرائیل ستیزی، بحران اقتصادی جهانی و ناتوانی اسرائیل در افزایش چشم‌گیر بودجه‌های نظامی خود و... همگی در منزوی شدن اسرائیل در منطقه و در ادامه کاهش امنیت سیاسی و نظامی آن مؤثر بوده است

عاملی که نخبگان اسرائیلی بر آن تأکید دارند، تحولات ژئوسیاسی است که در تغییر موازنه قوا به زیان اسرائیل نمود پیدا می‌کند. افزون بر اینکه این تغییر موازنه قوا به زیان نفوذ و اقتدار امریکا در منطقه نیز خواهد بود و در این میان اگر امریکا حمایت‌های خود از اسرائیل را افزایش ندهد و قدرت بازدارندگی آن را تقویت نکند، بازتاب‌های منفی این اوضاع بر امنیت اسرائیل بسیار بیشتر خواهد بود. آن‌ها در این میان به افزایش اقتدار و نفوذ دو باز یگر منطقه‌ای یعنی ایران و ترکیه در منطقه و در کشورهای عربی اشاره می‌کنند و تأکیدی ویژه بر برنامه هسته‌ای ایران دارند که در رأس همه مناقشه‌های امنیتی محافل صهیونیستی قرار دارد. این نخبگان اگر چه سقوط نظام سوریه را موجب تضعیف موقعیت ایران و حزب‌الله می‌دانند، اما از بی‌ثباتی در سوریه و امکان سرایت آن به کشورهای همجوار ابراز نگرانی می‌کنند که در رأس این کشورها اردن و عربستان قرار دارد. به‌ویژه رژیم سعودی که سقوط آن تا حدود زیادی محور دشمن مقاومت و از جمله ایران را تضعیف خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### گسترش و تقویت مردم‌سالاری اسلامی در منطقه

بی‌شک یکی از اهداف مهم خیزش‌های اخیر در خاورمیانه، اصلاح ساختار سیاسی به منظور افزایش مشارکت مدنی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور است؛<sup>۲</sup> این در حالی است که با توجه به ماهیت دینی این خیزش‌ها، در تمام منطقه از مصر تا بحرین، گروه‌های اسلامی اصلی‌ترین سازمان‌دهندگان تحولات بوده‌اند و پس از این هم در هر گونه ساختار سیاسی که در این کشورها شکل بگیرد، نیروهای اسلام‌گرا، جایگاهی ویژه خواهند داشت. به‌عنوان نمونه می‌توان به پیروزی‌های اخوان المسلمین در انتخابات

۱. انقلاب‌های عربی؛ نگرانی‌های امنیتی و استراتژیک اسرائیل، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶، دبیرخانه دائمی مجمع جهانی بیداری اسلامی.

۲. سید جلال دهقانی فیروزآبادی و مهدی فرازی، «بیداری اسلامی و امنیت جمهوری اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱، ش ۲۸، ص ۱۶۵.





مجلس مصر و هم‌چنین انتخاب محمد مرسی به‌عنوان رئیس‌جمهور این کشور و حزب اسلام‌گرای النهضه تونس در انتخابات مجلس مؤسسان این کشور اشاره داشت. در همین راستا، عبدالرحیم کیب نخست‌وزیر جدید لیبی در یکی از اظهارات خود گفته بود کشورش دولت اسلامی خواهد بود و اسلام منبع قانونگذاری در آن می‌باشد. هم‌چنین راشد الغنوشی رئیس حزب النهضه تونس نیز گفته است که تونس می‌خواهد نمونه‌ای از کشور اسلامی را بسازد که از اسلام صفت تروریسم، تعصب، تندروی و دشمنی با دموکراسی را که غرب بر مسلمانان برچسب می‌زند، بزداید.<sup>۱</sup>

رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین فرمودند:

رئیس‌جمهور امریکا می‌گوید که امنیت اسرائیل خط قرمز اوست. بدانید این خط قرمز او با ما و امثال او به دست ملت‌های به‌پاخاسته مسلمان شکسته خواهد شد. آنچه رژیم صهیونیست را تهدید می‌کند، موشک‌های ایران یا گروه‌های مقاومت نیست، تا در برابر آن سپر موشکی در اینجا و آنجا به پا کنند؛ تهدید حقیقی و بدون علاج، عزم راسخ مردان و زنان و جوانانی در کشورهای اسلامی است که دیگر نمی‌خواهند امریکا و اروپا و عوامل دست‌نشانده‌شان بر آنان حکومت و تحکم و آنان را تحقیر کنند.<sup>۲</sup>

بی‌شک حضور ساختارهای مردم‌سالار و مبتنی بر شریعت اسلامی نه تنها می‌تواند از امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه و جهان بکاهد، بلکه می‌تواند زمینه را برای همکاری‌های گسترده میان ایران و دولت‌های انتخابی در کشورهای عربی، فراهم آورد که این امر خود بر امنیت اسرائیل تأثیرگذار خواهد بود.

### تقویت گفتمان مقاومت اسلامی و تضعیف گفتمان سازش

امروز رژیم صهیونیستی مهم‌ترین شریک خود را در زمینه مسائل امنیتی از دست داده است و دیگر دیواری میان مصر و فلسطین اشغالی به‌عنوان حافظ امنیت اسرائیل وجود ندارد. امروز بحث باز شدن گذرگاه رفح به صورت کامل و به منظور عبور نه تنها افراد، بلکه انتقال محموله‌ها و... به صورت جدی مطرح است. امروز مردم مصر خواستار تجدیدنظر اساسی در توافق نامه کمپ‌دیوید می‌باشند. مصر امروز بر خلاف مصر مبارک

۱. فاطمه مرسلی، پایگاه خبری کیهان نیوز، ۱۳۹۰/۱۲/۱۴.

www.KeyhanNews.ir

۲. بیانات مقام معظم رهبری، کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۹۰/۷/۹.



نه تنها همکاری امنیتی با رژیم اشغالگر ندارد بلکه به هنگام تعرض اسرائیلی‌ها به غزه، وزیر خارجه مصر برای اسرائیلی‌ها خط و نشان می‌کشد و به این رژیم هشدار می‌دهد. دومین آسیب مهم وارده به رژیم صهیونیستی آسیب اقتصادی از رهگذر متوقف ساختن انتقال گاز از مصر به فلسطین اشغالی می‌باشد. اسرائیلی‌ها به‌رغم آنکه منابع انرژی مصر را به کمترین بها به یغما می‌برند، اما همواره در کنار امریکایی‌ها کمک‌های مالی مستقیم و غیر مستقیم (نظامی) خود را که حدود سه میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود را به رخ می‌کشیدند و ملت و دولت مصر را به خاطر پرداخت این کمک‌ها تحقیر می‌کردند؛ تا حدی که گاهی حتی شخص مبارک به صدا درآمده و تحت فشارهای شدید افکار عمومی مصر به موضع‌گیری علیه امریکا و رژیم صهیونیستی می‌پرداخت. سومین آسیب مهم وارده به رژیم صهیونیستی، مواجه شدن با چالش امنیتی در کرانه باختری از رهگذر آشتی فتح و حماس با مدیریت مصر انقلابی می‌باشد؛ به طوری که این رژیم صهیونیستی نتوانست خود را کنترل نموده و سکوت اختیار کند و موضع‌گیری آن‌ها علیه این توافق، گویاترین دلیل و شاهد بر ناخرسندی آنان از این توافق است. در این راستا کار به جایی رسید که حتی نتانیاهو از محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین خواست توافق با حماس را رها نموده و به صلح با اسرائیل روی آورد. آشتی فتح و حماس بدون تردید، نتیجه غیر مستقیم بیداری اسلامی است. بیداری اسلامی در مصر، تونس و سایر کشورهای منطقه تأثیرات مستقیم خود را بر تضعیف بنیان رژیم صهیونیستی بر جای نهاده است.<sup>۱</sup>

در جهان عرب و به‌ویژه در افکار عمومی این کشورها، مسئله فلسطین و اسرائیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران در کنار سوریه و حزب‌الله لبنان، همواره قائلان به گفتمان مقاومت اسلامی در مقابل اسرائیل محسوب شده‌اند که از نیروهای معتقد به این گفتمان در نوار غزه از جمله حماس، حمایت مادی و معنوی می‌کنند. با آغاز خیزش‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه، نوعی همسویی رفتاری از دولت‌های منطقه را در حمایت از گفتمان مقاومت اسلامی و افزایش فاصله از گفتمان سازش شاهد بودیم. از یک سو در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد بیداری اسلامی، همچون گذشته، بر حمایت ملت از گفتمان مقاومت تأکید ویژه‌ای شد و دولت ترکیه نیز از شکستن محاصره نوار غزه و بازگشایی نوار مرزی رفح توسط شورای انتقالی مصر، حمایت کرد. از سوی دیگر،

۱. آسیب‌های وارده به حصار استراتژیک اسرائیل، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای،

موضع رهبر تشکیلات خودگردان فلسطین و کشورهای چون عربستان و قطر نیز، که خود در جریان سازش قرار داشتند، با توجه به شرایط منطقه چندان نفوذ قابل اعتنا بی ندارد.<sup>۱</sup> بی تردید نحوه برخورد ملت‌های حاضر در خیزش بیداری اسلامی مانند رویکرد مصر در لغو محدودیت‌ها و تبادلات با نوار غزه پس از سقوط رژیم مبارک، نیز مؤیدی بر تقویت گفتمان مقاومت و تضعیف گفتمان سازش با اسرائیل است که این امر خود رابطه‌ای مستقیم با امنیت اسرائیل خواهد داشت و بر آن تأثیر گذار خواهد بود.

## انزوای سیاسی اسرائیل

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های انزوای سیاسی اسرائیل، شکل‌گیری نظم جدید اسلامی و احاطه اسرائیل در این نظم جدید، پس از جریان بیداری اسلامی است. در این راستا کوفی، رئیس سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل اعلام کرد بر اساس برآوردهای سالیانه، اسرائیل از این پس در منطقه‌ای زندگی خواهد کرد که حکومت‌های اسلامی جدید و راز هر طرف احاطه کرده‌اند. کوفی با اعلام این مطلب به گزارشی اشاره کرد که رؤسای سرویس‌های امنیتی این رژیم پیرامون آینده منطقه تهیه کرده‌اند و در آن اعلام شده است که تغییرات جاری در خاورمیانه، منطقه را به سوی تنش‌های فراگیری در نتیجه سیطره اسلام‌خواهان بر کرسی‌های حکومتی در بسیاری از کشورهای محیط اسرائیل سوق می‌دهد. کوفی مدعی شد در سال آینده خاورمیانه به منطقه بی‌ثباتی در نتیجه «نظم اسلامی» تبدیل خواهد شد و شاید وضع از همین‌جا که هست بدتر نیز بشود. اشاره او به نظم اسلامی، همان بیداری اسلامی بود. درد اسرائیل امروز فقط ایران نیست، هر چند طی این سال‌ها دائماً کوشید تا تنها دژ اسلامی جهان را به تسلیم وادارد و نتوانست. درد امروز اسرائیل لیست بلندبالایی از نام کشورها در منطقه است که یا تسلیم اسلام‌خواهان شده‌اند یا در شرف تسلیم اراده آنان هستند، درد امروز اسرائیل بازگشت دوباره حکومت‌ها به دامان اسلام، فتح دوباره منطقه به دست مسلمانان انقلابی، محاصره‌اش توسط منظومه‌ای از کشورهای اسلامی است.<sup>۲</sup>

عواملی نظیر سقوط حکومت‌های همسو با دولت اسرائیل در برخی کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، اصلاح ساختارهای سیاسی در برخی کشورهای همسو با اسرائیل در منطقه، کاهش سطح همکاری‌های کشورهای عربی منطقه و تقویت

۱. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و مهدی فرازی، همان، ص ۱۷۲-۱۷۱.

۲. اسرائیل در محاصره نظم نوین اسلامی، دبیرخانه دائمی مجمع جهانی بیداری اسلامی، ۱۶/۶/۱۳۹۱.





گفتمان اسرائیل ستیزی، افزایش تنفر از امریکا در افکار عمومی منطقه و کاهش نفوذ و تأثیرگذاری این کشور بر دولت‌های جدید در منطقه، بحران اقتصادی جهانی و ناتوانی اسرائیل در افزایش چشم‌گیر بودجه‌های نظامی خود، همگی در منزوی شدن اسرائیل در منطقه و در ادامه کاهش امنیت سیاسی و نظامی آن مؤثر بوده است.<sup>۱</sup> مجموعه عوامل سبب شده است که این باور به وجود بیاید که اسرائیل پس از پیمان کمپ دیوید، هرگز تا این اندازه در فشارهای گوناگون امنیتی و انزوای سیاسی در منطقه قرار نداشته است. رژیم اسرائیل با توجه به سلسله تغییرات داخلی و تحولات گسترده در سطح منطقه خاورمیانه، سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی و سیاسی خود را به گونه‌ای دیگر طرح می‌کند. عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی کرانه غربی و تعریف مرز، تلاش برای پذیرش و جذب در محیط پیرامونی، حفظ برتری نظامی، اقتصادی و فناوری در سطح منطقه و استمرار جلب حمایت امریکا و اروپا، از مهمترین راهبردهای امنیتی اسرائیل در طی سال‌های آتی خواهد بود. این سیاست‌های راهبردی از حمایت افکار عمومی داخل اسرائیل نیز برخوردار است. رژیم صهیونیستی با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و برهم خوردن توازن قوا و توازن جمعیتی بین اعراب و یهودیان طی چند دهه گذشته، و با هراس از به اقلیت افتادن جمعیت یهودیان، حفظ اسرائیل را به عنوان «کشوری یهودی و دموکراتیک»، در اولویت قرار داده است.<sup>۲</sup>

۱. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و مهدی فرازی، همان، ص ۱۷۳.  
 ۲. محمود دهقانی، «اسرائیل از نگاه دیگر»، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷/۲/۲۳.